

محدوده جواز نظر به مخطوبه

نرگس اعتمادی^۱

چکیده

موضوع مقاله حاضر، «محدوده جواز نظر به مخطوبه» است. آرای فقهای شیعه درباره نگاه مرد به زنی که خواستار ازدواج با اوست، ذیل سه نظریه مطرح شده است: ۱. محدودیت جواز نظر بر وجه و کفین؛ ۲. جواز نظر بر وجه و کفین و محاسن؛ ۳. جواز نظر بر تمام بدن بدون پوشش به استثنای عورت.

با بررسی اقوال، قول دوم به عنوان نظر صحیح مطرح شده است؛ چرا که با وجود نصوص صحیح بر جواز نظر بر بیش از وجه و کفین مخطوبه، محدودیت جواز نظر بر وجه و کفین، نوعی اجتهاد در مقابل نص است و از طرفی در روایات، اطلاقی نسبت به جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه وجود ندارد و بر فرض وجود چنین اطلاقی، نصوص صحیح، مقید این اطلاق می‌باشد؛ در نتیجه قول دوم، قول صحیح است که محدوده جواز نظر به مخطوبه، وجه و کفین و محاسن است.

واژه‌های کلیدی: مخطوبه، مخاطب، معصم، محاسن، وجه، کفین

۱. پژوهشگر و طلبه سطح چهار جامعه الزهراء (ع.ا.ه)؛ Ershdkah1352@gmail.com

The Limit of the Permission to Look at Makhtoobeh

Narges E'temadi ¹

Abstract

This paper is entitled “the Limit of the Permission to Look at *Makhtoobeh*”. The views of Shiite jurists on a man’s permission to look at *Makhtoobeh* (a woman who a man wants to marry), have been proposed in following three theories: 1. permission to look at the face and hands 2. permission to look at the face, hands and hair; 3. permission to look at the whole uncovered body except the private parts. By examining these theories, we conclude that the second theory is the correct opinion; because despite authentic texts on the permission to look at the face and hands of the woman who a man wants to marry, limiting the permission to look at the face and hands is a kind of *ijtihad* against the text, and on the other hand, in the narrations, there is no presumption for the permission to look at the whole body of *Makhtoobeh*, and on the assumption of such an application, it is limited by the authentic texts. Therefore, the second theory that permits looking at *Makhtoobeh*’s face, hands and hair is correct.

Keywords: Makhtoobeh, khateb, forearm, hair, face, hands

1. Level Four Student and Researcher at Jami'at al-Zahra, Ershdkah1352@gmail.com

نطاق جواز النظر إلى المخطوبة

نرجس اعتمادى^١

الخلاصة

طرحت في هذا المقال آراء فقهاء الشيعة حول نظر الرجل إلى المرأة التي يُراد الزواج منها، وقد طرحت النظريات الثلاث التالية: ١. حدّ جواز النظر إلى الوجه والكفين. ٢. جواز النظر إلى الوجه والكفين والمحاسن. ٣. جواز النظر إلى كلّ الجسد من دون الستر باستثناء العورة.

من خلال فحص الأقوال، تم تقديم القول الثاني باعتباره الرأي الصحيح؛ لأنّه بالرغم من وجود النصوص الصحيحة في جواز النظر لأكثر من وجه المخطوبة وكفّهما، فإنّ حصر جواز النظر بالوجه والكفين هو نوع من الاجتهاد في مقابلة النصّ، ومن ناحية أخرى لا يوجد في الروايات إطلاق بالنسبة لجواز النظر إلى كلّ جسم المخطوبة، ومع افتراض هكذا إطلاق فإنّ النصوص الصحيحة مقيدة لهذا الإطلاق؛ وبالتالي القول الثاني هو القول الصحيح، والذي يُحدّد نطاق جواز النظر بالوجه والكفين والمحاسن.

الكلمات المفتاحية: المخطوبة، الخاطب، المعصم، المحاسن، الوجه، الكفين.

١. المحقق وطلبة سطح الرابع جامعة الزهراء (ع.ا.ع.ه)؛ Ershdkah1352@gmail.com.

۱. مقدمه

موضوع جواز نظر مرد به زنی که خواهان ازدواج با اوست و محدوده و شرایط آن از دیرباز در کتب فقهی مورد بحث بوده و روایات فراوانی درباره این مسئله نقل شده است. اصل جواز نظر به مخطوبه مورد اتفاق است و همه فقها در این عقیده مشترک هستند که حکم نگاه به مخطوبه با نگاه به زن اجنبیه متفاوت است و برخی از نگاه‌ها که به اجنبیه حرام است، به مخطوبه مجاز است؛ اما فتاوی فقها در مورد محدوده جواز نظر متفاوت است؛ این فتاوا از محدود بودن نگاه مجاز به وجه و کفین شروع شده است و تا جواز نگاه به تمام اعضاء مخطوبه بدون داشتن هرگونه پوشش امتداد می‌یابد.

با توجه به حرمت و ارزشی که دین مبین اسلام برای شخصیت زن قائل است، ضوابطی را در ارتباط زن و مرد نامحرم لحاظ کرده است؛ یکی از این ضوابط در امر خواستگاری است که باید محدوده جواز نظر به زن تعیین شود تا مانع هرگونه هنجارشکنی و سوءاستفاده در این امر باشد.

در محدوده جواز نظر به مخطوبه اقوال فقها مختلف است؛ هدفی که در این پژوهش مد نظر است، جمع‌بندی اقوال مختلف در محدوده جواز نظر به مخطوبه و بررسی دلایل و انتخاب قول صحیح است.

در کتب فقهی در باب نکاح، در مورد جواز نظر به زن در خواستگاری بحث شده است و فقها در کتبی مانند خلاف، شرایع الإسلام، ریاض المسائل، تذکره الفقهاء و غیره نظرات خود را مطرح کرده‌اند؛ اما در مجموعه‌ای واحد، اقوال و دلایل و اشکالات آنها بیان نشده است؛ در این مقاله، اقوال مختلف فقها مطرح شده و دلایل آن‌ها بررسی می‌شود و سپس در صورت وجود اشکال بر دلایل، این اشکالات بیان می‌گردد.

سؤالات این پژوهش عبارت است از: ۱. مواضع مجاز نظر به مخطوبه چیست؟ ۲. حکم نگاه به محاسن زن مخطوبه چیست؟ ۳. حدود جواز نظر به مخطوبه در روایات چیست؟ ۴. شروط جواز نظر به مخطوبه چیست؟

۲. تعریف مفاهیم

۱. مخطوبه: مخطوبه از خطبة (حَطْبَ يَحْطُبُ) به معنای خواستگاری کردن از زن است (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۳۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۲۳). خاطب مرد خواستگار است و مخطوبه زنی است که خواستگاری می‌شود.
۲. معصم: معصم از عصم به معنای «منع» است و معصم به معنای جایی است که دستبند بسته می‌شود (ساعد) (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۴۰۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۵).
۳. محاسن: محاسن از حسن به معنای ضد قبح است و منظور از محاسن اندامی است که زیبایی انسان در آن نمود پیدا می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۴۳). در نظر فقها، محاسن عبارت است از: صورت و دست‌ها و موی سر (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۱۹)؛ ساعد (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۳۸)؛ گوش‌ها، گردن و گلو (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷)؛ ساق پا (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۴).
۴. وجه: به جلوی هر شیء وجه گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۵۵۶؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۴، ص ۶۶). منظور از وجه در بحث مذکور، صورت است.
۵. کفین: کف به معنای کف دست (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۸۳) و یا دست است (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۰۱).

۳. مواضع مجاز نظر به مخطوبه

در مسئله محدوده و مواضع جواز نظر، سه نظریه وجود دارد:

- نظریه اول: جواز نظر به وجه و کفین؛
- نظریه دوم: جواز نظر به وجه و کفین و محاسن؛
- نظریه سوم: جواز نظر به تمام بدن زن بدون پوشش به استثنای عورت.

۳-۱. بررسی نظریه اول

در نظر اول، محدوده جواز به زن خواستگاری شده، وجه و کفین است (طوسی،

۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۳؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸).

۳-۱-۱. ادله نظریه اول

۳-۱-۱-۱. آیات قرآن

الف. «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»؛ (نور، آیه ۳۱). در این آیه اطلاق نهی در «لایبدين»، شامل نگاه مخاطب به مخطوبه می‌شود و تنها نظر به وجه و کفین از این استثناء شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸).

ب. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛ (نور، آیه ۳۰). در آیه شریفه، اطلاق امر به غَضُّ بصر شامل نگاه مخاطب به مخطوبه هم می‌شود (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۵).

اشکال به استدلال این است: تعلیل‌هایی مانند سهم من سهام إبلیس، شامل نگاه به مخطوبه نمی‌شود؛ چرا که یا در این نگاه‌ها اصلاً مفسده‌ای وجود ندارد یا به علت اینکه مصلحت نگاه در این موارد بر مفسده احتمالی خوف فتنه، غالب است؛ در نتیجه، این روایت از نگاه مخاطب به مخطوبه انصراف دارد (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۱).

۳-۱-۱-۲. روایات

الف. جابر بن محمد انصاری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که فرمودند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً فَلْيَنْظُرْ إِلَىٰ وَجْهِهَا وَكَفِّهَا؛ هِرْغَاهُ يَكِيٌّ مِنْ شِمَاكَ خَوَاسْتُ بَا زَنِيٍّ أَزْدَوَاجٍ كُنْدُ، بَايْدُ بِي صَوْرَتِ وَ دَسْتَانِ أَوْ نِگَاهُ كُنْدُ». (این روایت در منابع اهل سنت ذکر شده است؛ به نقل از: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸).

تقریب استدلال: در این روایت محدودیت جواز نظر به وجه و کفین به معنای عدم جواز نظریه سایر اعضا است و اگر نگاه به سایر اعضا هم مجاز بود، باید در روایت ذکر می‌شد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸).

اشکال بر استدلال این است: ۱. این استدلال مبتنی بر مفهوم لقب است و بنا بر نظر اکثر اصولیون، لقب فاقد مفهوم است (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۰)؛ ۲. امر در «فلینظر» در مقام

توهم حذر (حرمت نگاه به اجنبیه) است و دلالت بر جواز نظر به وجه و کفین مخطوبه دارد و این جواز، منافات با جواز نظر به سایر اعضا ندارد.

ب. روایت ابوالدرداء از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «إِذَا طَرَحَ اللَّهُ فِي قَلْبِ امْرَأٍ فَلَائِمٌ أَنْ يَتَأَمَّلَ مَحَاسِنَ وَجْهِهَا؛ زمانی که خداوند در دل کسی خواستگاری زنی را انداخت، مانعی ندارد که در محاسن صورت با تأمل نگاه کند» (این روایت در منابع اهل سنت ذکر شده است؛ به نقل از: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۹). مفهوم مخالف این خبر، دلالت بر عدم جواز نگاه به غیر محاسن صورت دارد (همان).

اشکال بر استدلال این است: ۱. مفهوم مخالف این روایت آن است که در غیر محاسن صورت نباید تأمل و دقت کرد؛ اما این مفهوم دلالتی بر عدم جواز نظر به سایر اعضا، بدون تأمل و دقت ندارد؛ ۲. اگر به مفهوم مخالف روایت استناد شود، نگاه بر کفین هم صحیح نیست؛ چرا که کفین جزء محاسن صورت نیست و حال آنکه طبق نظر شیخ طوسی رحمته الله نظر به وجه و کفین صحیح است (همان، ص ۲۴۷). اگر اشکال شود که طبق منطوق روایات، نظر بر کفین از مفهوم مخالف روایت خارج می‌شود، در پاسخ می‌گوییم که طبق منطوق روایات معتبره، نظر به مو و ساعد و غیره، هم از مفهوم مخالف روایت خارج می‌شود.

۳-۱-۱-۳. اجماع

شیخ طوسی رحمته الله ادعای اجماع بر جواز نظر به وجه و کفین مخطوبه را دارد (همان، ص ۲۴۸).

اشکال بر اجماع: وجود اختلاف میان فقها در مورد نظر به مخطوبه، برای رد ادعای اجماع کافی است (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۱).

۳-۱-۲. نقد عقلی نظریه اول

بنا بر نظر اول (جواز نظر بر وجه و کفین) تفاوتی میان نگاه به مخطوبه و نگاه به غیر مخطوبه نخواهد بود و در نتیجه متعددی که درباره جواز نگاه به مخطوبه وارد شده است، لغو خواهد بود (همان).

اشکال بر نقد عقلی نظریه اول

- بین نگاه به وجه و کفین در مخطوبه و نگاه به وجه و کفین در اجنبیه تفاوت است:
۱. جواز نظر در وجه و کفین در اجنبیه محل اختلاف است؛ اما جواز نظر بر وجه و کفین در مخطوبه مورد اتفاق است.
 ۲. جواز نظر به وجه و کفین در اجنبیه به اتفاق فقها مشروط به عدم خوف فتنه است؛ اما نظر بر وجه و کفین مخطوبه، طبق نظر برخی از فقها، مشروط به عدم خوف فتنه نیست؛ چرا که مخاطب قصد ازدواج با مخطوبه را دارد و در ازدواج فتنه‌ای نیست؛ مگر اینکه قبل از عقد کردن، خوف فتنه وجود داشته باشد (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۷۳).
 ۳. نظر مکرر به اجنبیه جایز نیست؛ اما نظر مکرر به مخطوبه جایز است.
 ۴. نظر به وجه کفین در اجنبیه مکروه است؛ اما نظر به وجه و کفین مخطوبه مکروه نیست، هر چند که مستحب هم نیست (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴۲).

۳-۱-۳. نقد روایی نظریه اول

- آنچه نظریه اول را به چالش جدی فرا می‌خواند، روایات متعددی است که برخی از آن‌ها با سند صحیح نقل شده است؛ برخی از آن روایات عبارت است از:
۱. صحیح فضلاء عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «لا بأس بأن ينظر إلى وجهها و معاصمها إذا أراد إن يتزوجها» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۷۹، ح ۲). امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: «مانعی ندارد که مرد به صورت و دستان زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند». طبق این روایت، نگاه به ساعد جایز است و محدوده ساعد فراتر از کفین است؛ لذا این روایت نظریه محدودیت جواز نظر به وجه و کفین را باطل می‌کند.
 ۲. روایت عبدالله بن سنان: قال قلت لأبي عبدالله الرجل يريد أن يتزوج المرأة ينظر إلى شعرها فقال: «أما يريد أن يشتريها بأغلى الثمن»؛ سائل از امام عليه السلام سؤال می‌کند که آیا مرد می‌تواند به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند، امام عليه السلام می‌فرمایند: «بله؛ زیرا او می‌خواهد او را با قیمت گران بخرد» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، باب ۲۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۸۹، ح ۷).

این روایت به طور صریح دلالت بر جواز نظر به موی زن را دارد و در نتیجه، نافی نظریه اول (محدودیت جواز نظر به وجه و کفین) است.

۳-۲. بررسی نظریه دوم

طرفداران این نظریه علاوه بر وجه و کفین، نگاه به محاسن بدن را جایز می‌دانند. درباره محدوده محاسن بدن دو نظر وجود دارد:

۱. محاسن بدن شامل صورت و موی سر و دستان (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۴۱۹) و ساعد که محل دستبند است، می‌شود (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۱، ص ۳۸).
۲. محاسن علاوه بر صورت و دستان و موی سر و ساعد، شامل گوش‌ها و گردن (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۲، ص ۲۹) و ساق پا می‌شود (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۲، ص ۱۴).

۳-۲-۱. دلیل بر نظر دوم

۱. نگاه به گوش و گردن از لوازم نظر به موی سر است و حکم جاری درباره یک شیء در مورد لوازم عقلایی آن هم جاری است؛ لذا نظر به گوش و گردن هم جایز است (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۹).

۲. طبق نص «أنه كان إذا أراد أن يسرى الجارية يكشف عن ساقها فلينظر إليها» (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۸، کتاب التجارة، باب ۲۰ از ابواب بیع حیوان، ح ۴)، نظر به ساق پای کنیز جایز است؛ با جواز نظر به ساق پای کنیز به طریق اولی نظر به ساق پای زن آزاد جایز است (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۲، ص ۱۴).

به نظر می‌رسد نه تنها اولویت جواز نگاه به ساق پای زن آزاد نسبت به کنیز ثابت نیست؛ بلکه احترام بیشتر زن آزاده، محدودیت بیشتری را در نگاه به وی اقتضاء می‌کند.

۳-۲-۲. ادله نظریه دوم

استناد این نظریه به روایات است:

۱. عن رجل، عن أبي عبدالله عليه السلام، قال: «قلت: أينظر الرجل الى المرأة تزويجها فينظر

الی شعرها و محاسنها؟ قال: لا بأس بذلك إذا لم يكن متلذذاً؛ مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا مرد می‌تواند به مو و محاسن زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند؟ امام فرمود: مانعی ندارد، در صورتی که با این کار در صدد التذاذ نباشد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۵).

دلالت این روایت بر جواز نظر به اعضای که جزء محاسن به حساب می‌آید، تمام است.

۲. عن جعفر علیه السلام عن أبيه علیه السلام عن علي علیه السلام: «في رجل ينظر الى محاسن امرأة يريد أن يتزوجها، قال لا بأس إنما هو مستام فإن يقض أمر يکن» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۵، ح ۲). امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت در پاسخ به سؤال مردی که پرسیده بود: «آیا می‌تواند به محاسن زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند، فرمودند: مانعی ندارد؛ آن مرد خریدار است؛ اگر کاری مقدر باشد، خواهد داشت». در این روایت نظر به محاسن زن جایز شمرده شده است.

۳. عن محمد بن مسلم قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أينظر إليها، قال: «نعم إنما يشترها بأعلى الثمن» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۷۸، ح ۱). محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره نگاه مرد به زنی که خواستار ازدواج با اوست، سؤال کرد؛ امام علیه السلام فرمودند: «بله (جایز است)، می‌خواهد او را با بهای گرانی بخرد».

در این روایت، اطلاق در پاسخ امام علیه السلام شامل نظر به محاسن بدن زن هم می‌شود؛ لازم به ذکر است که اطلاق روایت مذکور با روایاتی که دلالت بر جواز نظر به وجه و کفین و محاسن بدن مخطوبه می‌کنند، مقید می‌شود.

۴. عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «لا بأس بأن ينظر الى وجهها و معاصمها إذا أراد أن يتزوجها» (همان، ص ۶۷۹، ح ۲). امام علیه السلام فرمودند: «نگاه به صورت و ساعد زنی که مرد قصد ازدواج با او را دارد مانعی ندارد». در این روایت نظر به صورت و ساعد (که جز محاسن است) جایز شمرده شده است.

۵. عن أبي عبد الله علیه السلام أنه سأله عن الرجل ينظر الى المرأة قبل أن قال: «نعم فلم يعطى ماله» (همان، ص ۶۸۰، ح ۴). امام صادق علیه السلام به سؤالی درباره جواز نگاه به زن قبل از ازدواج با

او پاسخ دادند: «آری! پس چرا مالش را در اختیار او می‌گذارد؟» این روایت هم با اطلاق خود شامل نظر به محاسن بدن مخطوبه می‌شود (همان طوری که قبلاً گذشت، اطلاق چنین روایتی با روایاتی که تنها دلالت بر جواز نظر بر وجه و کفین و محاسن مخطوبه می‌کند، مقید می‌شود).

۳-۳. بررسی نظریه سوّم

برخی از فقها قائل هستند که نگاه به نیم تنه بالای زن به طور عریان جایز است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۴). برخی دیگر، نگاه به تمام بدن زن به جز عورت را بدون پوشش جایز می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۳۴، مسأله ۲۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۵).

۳-۳-۱. ادله نظریه سوّم

مستند این نظریه روایات است:

۱. موثقه‌ی یونس بن یعقوب که از نظر صاحب حدائق رحمته‌الله مهم‌ترین دلیل به حساب می‌آید: عن یونس بن یعقوب قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة و أحب أن ينظر إليها؟ قال: تحتجز، ثم لتقعد و ليدخل فلينظر، قال: قلت: تقوم حتى ينظر إليها؟ قال: نعم؛ قلت: فتمشي بين يديه؟ قال: ما أحب أن تفعل» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۹۰، ح ۱۰). امام صادق عليه السلام درباره نگاه به مردی که دوست دارد زن مخطوبه را ببیند، فرمودند: «زن احتجاج کند و بنشیند و آن گاه مرد بر او وارد شود و او را ببیند؛ راوی می‌پرسد: آیا می‌شود زن در پیش مرد راه برود؟ امام عليه السلام پاسخ می‌دهند: دوست ندارم زن چنین کند». «احتجاج» به معنای بستن لنگ است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۵۵)؛ یعنی زن بر خود لنگی ببندد و بنشیند تا مرد او را ببیند. لذا صاحب حدائق رحمته‌الله از این جمله چنین برداشت کرده است که نظر به نیم تنه بالای زن که بالاتر از بستن إزار قرار دارد، به طور عریان، مجاز است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۴).

اشکال بر استدلال این است: استدلال صاحب حدائق رحمته‌الله مبنی بر این است که در

روایت «تحتجز» آمده باشد؛ در حالی که نسخه تهذیب «تحتجر» نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۴۸). از طرفی، احتجار به معنای نشستن در یک محل است (حمیری، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۳۵۵)؛ یعنی زن مخطوبه در اتاقی بنشیند و مرد برای دیدن او بیاید و بنا بر نسخه مذکور، استدلال صاحب حدائق رحمته الله دچار اشکال می شود.

۲. صحیح محمد بن مسلم که عمده دلیل صاحب جواهر رحمته الله بر ادعای خود است: عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة، أينظر إليها؟ قال: «نعم، إنما يشترها بأغلى الثمن» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۸۸ ح ۱). از امام باقر عليه السلام درباره مردی سؤال شد که قصد ازدواج با زنی را دارد، آیا می تواند به او نگاه کند؟ حضرت فرمود: «بله؛ چرا که مرد خواهان خرید او با قیمت گران است».

صاحب جواهر رحمته الله معتقد است که این روایت با اطلاق خود شامل جواز نظر به تمام اعضای بدن مخطوبه می شود؛ مگر عورت که علم به حرمت نظر بر آن وجود دارد، لذا این عضو از اطلاق روایت خارج است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۶).

اشکال بر استدلال

در استدلال به اطلاق صحیحه برای جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه، باید در دو مقام بحث شود:

مقام اول: بررسی اطلاق در صحیحه

در صحیحه اطلاق نسبت به جواز نظر بر تمام اعضاء مخطوبه وجود ندارد؛ چرا که صحیحه در مقام بین حکم جواز نظر به مخطوبه به عنوان حکم تبعیدی نیست، بلکه منشأ حکم جواز نظر به مخطوبه، دفع ضرری است که احتمال می رود متوجه زوج شود و لذا حضرت در مقابل تعلیل می فرمایند: «انما يشترها بأغلى الثمن» (چرا که مرد خواهان خرید زن با قیمت گران است)؛ در نتیجه محدوده جواز نظر تا جایی است که غرر رفع شود و رفع غرر با نظر به وجه و کفین (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰) و محاسن است. (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۵).

لازم به ذکر است که قائلان به نظر سوم ادعای اطلاق در روایات دیگری هم

کرده‌اند که این ادعا صحیح نیست؛ چرا که در این روایات هم اطلاق و وجود ندارد که دلالت بر جواز نظر به تمام اعضاء مخطوبه کند:

- عن الحسن بن السر قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يتأملها و ينظر إلى خلفها و إلى وجهها؟ قال: «نعم، لا بأس أن ينظر الرجل إلى المرأة إذا أراد أن يتزوجها، ينظر إلى خلفها و إلى وجهها»؛ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۷۸، ح ۳). حسن بن سري می‌گوید از امام صادق عليه السلام سؤال کردم که آیا مرد می‌تواند در زنی که خواهان ازدواج با اوست، تأمل کند و به پشت و صورت او نگاه کند؟ حضرت می‌فرماید: «بله؛ مانعی ندارد که مرد به پشت و صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند».

در این روایت اشکال سند و دلالتی وجود دارد:

اشکال سندی: این روایت به خاطر وجود حسن بن سري در سند، ضعیف است؛ چرا که این شخص توثیق نشده است (موسوی خوئی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۳۰).

اشکال دلالتی: در این روایت اطلاق و وجود ندارد تا شامل جواز نظر به تمام بدن مخطوبه شود؛ چرا که روایت ظهوری در جواز نظر به پشت مخطوبه به حالت عریان و بدون لباس ندارد؛ بلکه ظاهر روایت این است که نظر به خلف از روی لباس به هدف اطلاع بر حجم بدن اشکال ندارد (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۶).

- عن ابي عبدالله عليه السلام أنه سأله عن الرجل إلى المرأة قبل أن يتزوجها؟ قال: «نعم، فلم يعطى ماله» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۸۰، ح ۴). امام صادق عليه السلام به پرسشی درباره نگاه به زن در قبل از ازدواج با او پاسخ دادند: «آری؛ پس چرا مالش را در اختیار او می‌گذارند؟» این روایت هم به واسطه ارسال ضعیف است؛ علاوه بر آنکه اطلاق در روایت وجود ندارد تا شامل جواز نظر به تمام اعضاء مخطوبه شود (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۶) (روایت در مقام بیان محدوده جواز نظر به مخطوبه نیست تا در این باره اطلاق داشته باشد).

- عن يونس بن يعقوب قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يجوز له النظر إليها؟ قال: «نعم، و ترقق له الثياب، لأنه يريد أن يشتريها بأغلى الثمن» (عاملي، ۱۴۱۳ق،

ج ۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۹۰، ح ۱۱). امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره نگاه به مخطوبه فرمودند: «بله، (جایز است) زن لباسی نازک بپوشد؛ زیرا مرد خواهان خرید او با قیمت گران است».

استدلال به این روایت برای تأیید نظر سوم (جواز نظر به تمام بدن مخطوبه) مبتنی بر این است که «ترقق له الثیاب» به معنای پوشیدن لباسی باشد که پوست بدن را نشان دهد؛ در حالی که مراد، تخفیف ثیاب به معنای کم کردن تعداد لباس‌ها به هدف اطلاع خاطر بر حجم بدن مخطوبه است و مؤید مطلب این است که ثیاب با صیغه جمع به کار رفته است که به معنای کم کردن لباس‌ها است و اگر مراد از «ترقق له الثیاب» پوشیدن لباس نازک باشد، مناسب بود که لفظ ثیاب به شکل مفرد می‌آمد (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۷).

مقام دوم: بررسی وجود مقید بر اطلاق روایات

بر فرض که روایات مذکور اطلاق داشته باشد، این اطلاق با نصوص معتبره مقید می‌شود:

- عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان و حفص بن البختری کلهم، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «لا بأس بأن ينظر الى وجهها و معاصمها إذا أراد أن يتزوجها» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۷۹، ح ۲). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مانعی ندارد که مرد به صورت و ساعد زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند».

قید «وجهها و معاصمها» در روایت برای احتراز از جواز نظر به اعضای دیگر مخطوبه است (اصل در قیود احترازی است) و در غیر این صورت، اگر نظر به تمام اعضای بدن مخطوبه جایز باشد، آوردن این قیود لغو خواهد بود؛ در نتیجه، این روایت مقید اطلاق روایات گذشته است (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۷).

- عن يونس بن يعقوب قال: «سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة و أحب أن ينظر إليها؟ قال: تحتجز، ثم ليدخل فلينظر، قال: قلت: تقوم حتى ينظر إليها؟ قالت: نعم، قلت: فتمشي بين يديها؟ قال: ما أحب أن تفعل» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۹۰، ح ۱۰). از امام صادق علیه السلام درباره‌ی نگاه مردی که دوست دارد زن

مخطوبه را ببیند، سؤال شد، حضرت فرمودند: «زن احتیاج کند و بنشیند و آن گاه مرد بر او وارد شود و او را ببیند، راوی سؤال کرد: آیا می‌شود در پیش مرد راه برود؟ امام علیه السلام فرمودند: دوست ندارم زن چنین کند».

ظاهر روایت این است که امام علیه السلام در مقام بیان وظیفه شرعی است و امر به احتیاج (بستن لنگ) می‌کند و لذا روایت دلالت بر عدم جواز نظر به بدن مخطوبه را دارد؛ چرا که اگر نظر به بدن مخطوبه جایز بود، نیازی به امر به احتیاج نبود (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۷). در نتیجه این روایت مقید اطلاق روایات گذشته است (بر فرض که روایات گذشته نسبت به جواز نظر به بدن مخطوبه اطلاق داشته باشد، این روایت مقید اطلاق است؛ لذا نظر به تمام بدن مخطوبه جایز نیست).

لازم به ذکر است که صحت استدلال مرحوم خوئی علیه السلام مبتنی بر این است که کلمه «تحتجز» در روایت آمده باشد که به معنای بستن لنگ است؛ اما اگر در روایت تعبیر به «تحتجر» شود (که در نسخه تهذیب چنین است) (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۴۸)؛ به معنای نشستن در محلی است و در این معنا استدلال مرحوم خوئی دچار اشکال است.

۴. شروط جواز نظر به مخطوبه

۱. مخاطب بداند که مخطوبه می‌تواند با او ازدواج کند، مثل اینکه مخطوبه همسر نداشته باشد و یا اینکه در عده طلاق یا وفات نباشد (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۹۸؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۵).

۲. مخاطب قبلاً از حال مخطوبه مطلع نباشد؛ چرا که در صورت اطلاع مخاطب از حال مخطوبه، نظر به مخطوبه به منظور اطلاع از حال او نخواهد بود؛ در نتیجه، مشمول جواز نظر به مخطوبه در نصوص نمی‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۳۴؛ مسأله ۲۶؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲).

۳. مخاطب قصد ازدواج با مخطوبه را داشته باشد (روایاتی که در بخش‌های قبلی ذکر شد، دلالت بر جواز نظر به مخطوبه در صورت قصد ازدواج دارد؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، باب ۳۶، از ابواب مقدمات نکاح، ص ۸۷). تعدادی از فقها قائل هستند که جواز نظر به مخطوبه در صورتی است که مخاطب

قصد ازدواج با مخطوبه را داشته باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۴۸؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۸؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۶). اما بعضی دیگر از فقها معتقدند که به طور مطلق با وجود قصد ازدواج (چه با مخطوبه و چه با غیر او)، نظر به مخطوبه جایز است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۳۴؛ مسأله ۲۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۵ و موسوی خوئی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۲۰).

۴. خابط احتمال حصول توافق بر تزویج را بدهد (همان؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۱۸).

۵. برخی از فقها، عدم قصد تلذذ را در جواز نظر به مخطوبه شرط می کنند، هر چند که با نگاه کردن تلذذ حاصل شود (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۹۸؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵، ص ۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۳۴؛ مسأله ۲۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۵؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۱۸)؛ اما برخی از فقها جواز نظر به مخطوبه را مشروط به عدم قصد تلذذ نمی دانند، مگر زمانی که در نظر قبل از عقد، خوف فتنه باشد (حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۷۳؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۳۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۶۵).

۵. نتیجه گیری

با توجه به اینکه:

۱. با وجود نصوص صحیح بر جواز نظر در بیش از وجه و کفین مخطوبه، محدود کردن جواز نظر بر وجه و کفین، به نوعی اجتهاد در مقابل نص است؛
 ۲. روایات نسبت به جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه اطلاق ندارد و بر فرض مطلق بودن روایات، این اطلاق با نصوص صحیح، مقید به جواز نظر بر وجه و کفین و محاسن می شود؛
- به نظر می رسد نظریه دوم صحیح است و محدوده نگاه مجاز به مخطوبه، وجه و کفین و محاسن بدن مخطوبه از قبیل: مو، ساعد، گردن و... می باشد و مستند این نظریه روایات است. در روایات بیان شده است که علت جواز نظر به مخطوبه، رفع غرر است و غرر با نظر به مواضع مذکور برطرف می شود.

فهرست منابع

✽ قرآن مجید.

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۳ق)، لسان العرب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق)، کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم، انصاری.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، حدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دارالعلم للملایین.
۵. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الکلام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۶. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۷. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه للمطبوعات الدینیة.
۸. _____ (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۰ق)، ارشاد الإذهان الی أحكام الايمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۱. _____ (۱۴۲۰ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الامامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۲. _____ (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۳. _____ (۱۳۸۷ق)، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعيليان.
۱۴. حميرى، نشوان بن سعيد (۱۴۳۰ق)، شمس العلوم و العرب من الكلوم، بيروت: دارالفكر المعاصر.
۱۵. طوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۷الف)، الخلاف، قم: دفتر انتشار اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۶. _____ (۱۴۰۷ب)، تهذيب الاحكام، تهران: دارالكتب الإسلامية.
۱۷. طباطبايى يزدي، سيد محمد كاظم (۱۴۲۰ق)، عروة الوثقى، قم: دارالتفسير.
۱۸. عاملى كركى، على بن حسين (۱۴۱۳ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۹. عاملى، زين الدين بن على (۱۴۱۰ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم: كتاب فروشى داورى.
۲۰. _____ (۱۴۱۲ق)، مسالك الإفهام إلى تنقيح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
۲۱. عاملى، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، لإحياء التراث.
۲۲. فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العين، قم: نشر هجرت.
۲۳. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۲۹ق)، الكافي، قم: دار الحديث و النشر.
۲۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، أصول الفقه، قم: مؤسسه اسماعيليان.

٢٥. موسى خميني، سيدروح الله (بي تا)، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
٢٦. موسى خوئي، سيد ابوالقاسم (١٤١٨ق)، موسوعة الامام الخوئي، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئي.
٢٧. _____ (بي تا)، معجم رجال الحديث، بي تا: بي جا.
٢٨. نجفي، محمدحسن (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

